

تجزیه و تحلیل واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام در پرتو نقش آفرینی جریان تکفیری

محسن محمدی الموتی *

سعید وثوقی **

سید جواد امام‌جمعه‌زاده ***

چکیده

مسئله تکفیر از دیرباز یکی از محورهای اساسی تعارض و خشونت در ادیان و ملل مختلف بوده است. این موضوع در دوره حساس کنونی به یکی از مسائل مبتلابه جهان اسلام تبدیل شده و توجه به آن بیش از گذشته اهمیت پیدا کرده است. مقاله حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که جریان تکفیری در ایجاد واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه عبارت است از اینکه جریان تکفیری با نگاه منفی به مذاهب اسلامی و به‌وجود آوردن مرزبندی‌های افراطی فرقه‌ای، به ایجاد و گسترش واگرایی در سطوح فکری و اعتقادی در جهان اسلام دامن می‌زند. آگاهی از این موضوع، امکان تبدیل این تهدید را به فرصتی برای شکل‌دهی به هم‌گرایی در جهان اسلام فراهم می‌آورد. بدین منظور، مقاله حاضر ضمن معرفی و تبیین جریان تکفیری (متغیر مستقل) و مسئله هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام (متغیر وابسته) در سطح باورها و افکار، به تعارض مؤلفه‌ها و شاخص‌های جریان تکفیری با مؤلفه‌های هم‌گرایی در جهان اسلام که منجر به تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی منفی این جریان در ایجاد هم‌گرایی جهان اسلام می‌شود، اشاره می‌نماید. یافته‌ها نشان داد در سطح باورها و افکار، مؤلفه‌های جریان تکفیری نظیر اجتهاد بی‌ضابطه، دوری از اندیشه‌ورزی نوآورانه و پویا، تکفیر مذاهب و دگراندیشان مذهبی، سطحی‌اندیشی و

* استادیار گروه علوم سیاسی مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (نویسنده مسئول): m_alamooti@yahoo.com

** استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

*** دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۷/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۰

اصالت ظواهر، تعصبات کور و دگماتیسم، پیروی محض از گذشتگان و برداشت و تلقی افتراق‌انگیز از مفاهیم و اعتقادات دینی در تعارض با مؤلفه‌های فکری و اعتقادی هم‌گرایی در جهان اسلام نظیر اجتهاد ضابطه‌مند، خردگرایی، باور به تقریب مذاهب و تشکیل امت اسلامی، عمیق‌اندیشی و نگاه جامع به دین، انعطاف‌پذیری و مدارا، آینده‌نگری و تأکید بر اشتراکات اعتقادی و مذهبی قرار گرفته است و منجر به ایجاد واگرایی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: جریان تکفیری، سلفی‌گری، وهابیت، هم‌گرایی، واگرایی، جهان اسلام.

مقدمه

هم‌گرایی در جهان اسلام و راهکارهای رسیدن به آن همواره یکی از موضوعات مهم و مبتلا به جهان اسلام و از مسائل تأثیرگذار بر سرنوشت امت اسلامی بوده است. این مسئله، دغدغه اصلی بسیاری از نخبگان و اندیشمندان جهان اسلام را طی دهه‌های گذشته به خود اختصاص داده است. در این راستا اسلام به‌عنوان آیین مشترک و اعتقادات دینی نظیر باور به خدا، پیامبر اسلام، قبله واحد، حج و قرآن کریم همواره به‌عنوان ظرفیت‌های بسیار مناسب جهت هم‌گرایی مسلمانان و کشورهای اسلامی مطرح بوده است که می‌توانست آنها را به فرایند هم‌گرایی امیدوار سازد. اما با وجود این آموزه‌ها و قابلیت‌های مشترک و همچنین ایده‌های گوناگون هم‌گرایی، باید اذعان نمود که در شرایط کنونی جهان اسلام با تداوم حضور عوامل واگرا و تقویت آنها، در دام تقابل درونی و بیرونی افتاده و با وضعیت نامطلوبی روبه‌رو شده است. به عبارت دقیق‌تر، در زمان کنونی بحران تکفیر یکی از دردناک‌ترین مسائلی است که جهان اسلام با آن مواجه شده است. رویکردها و اقدامات افراطی به‌کار گرفته‌شده توسط عوامل وابسته به این جریان، باعث معرفی تصویر اسلام به‌عنوان یک دین کاملاً خشن و هراس‌انگیز در جهان شده است. حملات انتحاری و جنایات بی‌شماری که امروز در کشورهای اسلامی نظیر عراق، سوریه، پاکستان و افغانستان مشاهده می‌شود، بیشتر با پشتوانه فکری‌ای صورت می‌پذیرد که با تن درکشیدن جامه انتساب به سلف صالح، به‌صورت انحصارطلبانه مدعی مسلمانی هستند و سایر مسلمانان را خارج از دایره توحید و ایمان شمرده و برخلاف همه مذاهب اسلامی، آنها را مشرک و کافر می‌خوانند (حیدری، ۱۳۸۸: ۸۷).

این جریان در بستر تغییر و تحولاتی که پشت‌سر نهاده، اکنون به جریانی سیاسی با نگاه‌های ایدئولوژیک تبدیل شده است که حوزه گسترش آن بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی غیر

اسلامی را شامل می‌شود (سیدنزاد، ۱۳۸۹: ۱۵۶). یکی از دلایل این اتفاق آن است که جریان تکفیر دارای یک پشتوانه فکری دیرپاست که با طی تطورات تکوینی و تاریخی و همچنین با حمایت‌های مادی و غیرمادی برخی حاکمان کشورهای اسلامی نظیر عربستان سعودی و قطر و فتاوی برخی مفتی‌های سلفی جهادی و تکفیری، اکنون به یک گرایش چندجانبه دینی، فکری، ایدئولوژیک و حتی امنیتی تبدیل شده است. در این میان دشمنان خارجی مسلمانان نیز به‌خوبی دریافته‌اند که یکی از راهکارهای تضعیف مسلمانان، ایجاد تفرقه و تشتت میان آنها و حمایت از گرایش‌های افراطی در میان آنها به‌منظور تخریب وجهه اسلام است؛ جریان تکفیری نیز دانسته یا ندانسته در این زمینه ابزار دست آنها شده است. بی‌تردید در چنین شرایطی فعالیت جریان‌ها و گروه‌های تکفیری آن‌هم در قالب عناوین مختلف و گسترش روزافزون جنایات آنها باعث شده در حوزه جهان اسلام علاوه بر فرقه‌گرایی و منازعات پرشدت و دامنه‌دار، جان، مال و ناموس مسلمانان نیز در معرض خطر قرار گیرد و آثار تمدن اسلامی نیز تهدید و تخریب گردد. دشمنان اسلام نیز با بهره‌برداری از این موضوع به اسلام‌هراسی و اسلام‌ستیزی دامن زده و چهره نامقبول و غیر عقلانی از اسلام به دنیا نشان می‌دهند و بدین ترتیب از رشد و گسترش اندیشه اصیل اسلامی در دنیا جلوگیری می‌کنند. همه این موارد ایجاب می‌کند تا ضمن شناخت ریشه‌های فکری جریان تکفیری، با تجزیه و تحلیل نقش این جریان در ایجاد واگرایی در جهان اسلام به‌ویژه در سطح افکار و باورها، آگاهی لازم را در سطح حاکمان، نخبگان و ملت‌های اسلامی به‌منظور مواجهه با تهدید جریان تکفیری به‌وجود آورد.

از آنجاکه افکار و باورها نقش بسیار برجسته‌ای در هدایت‌بخشی به الگوی رفتاری و بازتنظیم منظومه کنشی - واکنشی جریان‌های تکفیری دارند، مسئله اساسی این پژوهش را واکاوی نقش جریان تکفیری در ایجاد واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام تشکیل می‌دهد. در واقع مؤلفه‌های اعتقادی و فکری جریان‌های تکفیری، قالب‌های رفتاری خاصی را درباره کنشگری پیروانش پیشنهاد می‌دهد که به موازات متمایز نمودن آنان از سایر جریان‌های سلفی، سنجه‌ای را برای فهم، تفسیر و ارزشیابی رفتارهای آنها عرضه می‌دارد. از این منظر در مقاله حاضر نویسندگان می‌خواهند به این پرسش اصلی پاسخ دهند که جریان تکفیری در ایجاد واگرایی در جهان اسلام در سطح باورها و افکار چه نقشی می‌تواند داشته باشد؟ فرضیه عبارت است از اینکه

جریان تکفیری با نگاه منفی به مذاهب اسلامی و به‌وجود آوردن مرزبندی‌های افراطی فرقه‌ای، به ایجاد و گسترش واگرایی در سطوح اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام دامن می‌زند. بدین منظور لازم است نخست مؤلفه‌های اعتقادی و فکری متغیر مستقل (جریان تکفیری) و همچنین متغیر وابسته تحقیق (هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام) را استخراج نماییم و سپس به تأثیرگذاری مؤلفه‌های متغیر مستقل بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های متغیر وابسته در سطح افکار و باورها بپردازیم. روش این پژوهش در مرحله جمع‌آوری اطلاعات به‌صورت اسنادی یا کتابخانه‌ای و در مرحله تجزیه و تحلیل داده‌ها به‌صورت کیفی خواهد بود. به عبارت دقیق‌تر، منظور از روش کتابخانه‌ای در مرحله گردآوری اطلاعات، مراجعه و استفاده از کتب، مقالات، میزگردها، مصاحبه‌ها، همایش‌ها، سایت‌ها، وبلاگ‌ها و مانند آن در شناسایی جریان تکفیری و مسئله هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام است. داده‌های مذکور که در بررسی نقش سلبی جریان تکفیری بر هم‌گرایی در جهان اسلام به‌کار خواهد رفت، به‌صورت کیفی تجزیه و تحلیل خواهد شد؛ یعنی نویسندگان با استفاده از روش استنباطی و با بهره‌گیری از عقل، منطق و اندیشه، اسناد و مدارک و اطلاعات گردآوری‌شده را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار خواهند داد و درخصوص نقش جریان تکفیری در ایجاد واگرایی در جهان اسلام اظهار نظر خواهند نمود.

الف- معرفی و تبیین جریان تکفیری (متغیر مستقل)

از آنجاکه جریان تکفیری از دل سلفیه بیرون آمده است، شناخت جریان تکفیری بدون شناخت سلفیه امکان‌پذیر نیست. اصطلاح سلفیه در آثار محققان عربی بیشتر در دو معنا به‌کار رفته است. در معنای نخست، این عنوان بر کسانی اطلاق می‌شود که مدعی هستند در اعتقادات و احکام فقهی، به سلف صالح اقتدا می‌کنند. از همین منظر بود که در قرن دوم و سوم هجری گروهی از فقها و محدثان با شعار زنده کردن آرای فقها و محدثان گذشته به میدان آمدند و ادعای سلفی‌گری کردند و به همین جهت به آنها «سلفیون» یا «سلفیه» می‌گفتند. معنای اصطلاحی «سلف» در بدعتی ریشه دارد که «ابن تیمیه» در قرن هفتم ایجاد کرد و آن را در معنایی به‌کار برد که تا آن زمان اندیشمندان اسلامی چنین معنایی را درباره سلف اراده نکرده بودند. بر این اساس، گفتار و رفتار صحابه، تابعان و تابعان تابعان، یکی از منابع تشریح تلقی شد و به‌عنوان منشأ ایجاد احکام جدید در آیین اسلام مورد توجه قرار گرفت (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۳۰). ابن تیمیه معتقد است

«سلف» کسانی هستند که در سه قرن اول اسلام زندگی می‌کردند و تمام فضایل را داشتند و برای حل هر مشکلی از دیگران شایسته‌ترند؛ این افراد شامل صحابه، تابعان و تابعان تابعان می‌شوند (ابن تیمیه، ۱۴۲۶: ۹۶). مهم‌ترین دلیل سلفیه برای مشروعیت سلف، حدیث «خیره» است که پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «خیر الناس قرنی ثم الذین یلونهم ثم الذین یلونهم؛ بهترین مردم، (مردمان) قرن من هستند، سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند و سپس دیگرانی که در پی آنان می‌آیند» (البخاری، ۱۴۳۲: ۶۴۵). ابن تیمیه با استناد به خیریت در این روایت که عام و مطلق است، همه چیز این سه قرن را بهتر از سده‌های دیگر دانسته و نام آنها را «قرون فاضله» نامیده است. در نگاه ابن تیمیه و پیروانش، براساس این روایت، فهم برتر و به عبارتی بهترین فهم، از آن علمای قرون نخستین است. بنابراین وظیفه هر مسلمانی، بازگشت به فهم سلف صالح است؛ زیرا آنان اسلام را بهتر از همه فهمیده‌اند. به نظر ابن تیمیه، هر کس معتقد باشد فهم اصحاب حدیث سه قرن اول اسلام در باب صفات خداوند، از فهم بعدی‌ها (قرن چهارم به بعد) برتر است، سلفی و مکتبش سلفیه است (فرمانیان، ۱۳۹۳: ۲۹-۳۰). مهم‌ترین ویژگی این مکتب، نفی مذاهب اسلامی و دعوت مسلمانان به پیروی محض و بدون اندیشه و تفکر از گذشتگان است. در این مذهب جدید، هیچ‌یک از مذاهب اسلامی به رسمیت شناخته نمی‌شوند و صرفاً تقلید از سلف (قرون فاضله) محتوای اصلی آن را شکل می‌دهد.

براساس مبنای فکری این دسته از سلفیون (ابن تیمیه و پیروان وهابی او)، میان ایمان و عمل تلازم وجود دارد. این گروه از سلفی‌های تکفیری، اهل تکفیر اعتقادی هستند؛ به این معنا که مخالفان خود را در مسائل اعتقادی تکفیر می‌کنند و حکم به قتل آنها می‌دهند. ملاک کفر نزد تکفیری‌های اعتقادی، بر محور توسل و درخواست از اموات و زیارت آنها یا به تعبیری هر عملی است که باید برای خدا انجام شود، ولی برای غیر خداوند انجام می‌شود. مسائلی نظیر نذر، قربانی و طواف در این حوزه قرار می‌گیرند. محور مبنایی این طرز تفکر، به مباحث معرفت‌شناسی و روش‌شناسی سلفیه وهابی بازمی‌گردد. بر این اساس، آنها با تأکید بر توحید عبادی به روش نقل‌گرایی و عمل به ظواهر، کسی را موحد و مسلمان می‌دانند که در ظاهر فقط خداوند را عبادت کند و چون افعالی نظیر توسل به اموات، نذر و قربانی برخلاف این ظاهر است، آن را عامل کفر می‌پندارند و حکم به تکفیر مطلق تمام کسانی می‌دهند که اعمال عبادی مذکور را انجام می‌دهند.

در معنای دوم که کاربرد آن به دوران بیداری مسلمانان در عصر حاضر برمی‌گردد، سلفیه بر کسانى اطلاق شده است که برای بیداری مسلمانان و رهایی آنان از تقلید فکری غرب و اتکا و اعتماد آنان به فرهنگ و تمدن دیرینه خویش و رجوع به قرآن و سنت با نگاهی تازه و اندیشه‌ای نو برای حل معضلات و مسائل فکری جدید و استخدام فن و علوم تجربی بر مبنای فرهنگ اسلامی و تطهیر چهره نورانی اسلام از غبار بدعت‌ها و خرافه‌هایی که در طول چهارده قرن بر آن نشسته بود، تلاش کرده و حرکت اصلاح دینی را شکل داده‌اند. آنها عنوان سلفیه را نشانی برای خویش قرار دادند (هرسیچ و نویسکانی، ۱۳۹۲: ۲۷-۸).

در این میان، گونه سومى نیز برای سلفیه وجود دارد. در این معنا گروهی دیگر از سلفی‌ها اهل تکفیر سیاسى هستند و حکم به جهاد می‌دهند؛ یعنی معتقدند هر حاکمی که طبق دستورات الهی (حکم بما انزل الله) حکم نکند، گرچه مدعی اسلام باشد، کافر و طاغوت است و باید به او کفر ورزید و با او جهاد و مبارزه کرد. برخی سید قطب و گروه‌های جهادی مدعی پیروی او را از این دسته می‌دانند. باید دانست که این تلقی از تکفیر با تلقی تکفیری‌های وهابی تفاوت قابل ملاحظه‌ای دارد و از روی تسامح از آن با عنوان سلفی‌های تکفیری جهادی یاد می‌شود. به عبارت دیگر تکفیر در این معنا که در اندیشه‌های سید قطب وجود داشت، با هدف مبارزه با سکولاریسم، لیبرالیسم و اندیشه غربی در حوزه فرهنگ و سیاست و استیلای غیر مسلمانان به‌ویژه یهودیان مطرح گردید و منجر به شعله‌ور شدن آتش تفرقه میان مسلمانان نشد. براساس اندیشه سید قطب، قانون‌گذاری و حکم کردن از مظاهر سلطه و حاکمیت خداست و پیروی از قوانین و شرایع الهی، عبادت یا ایمان تلقی می‌شود. از نگاه سید قطب، ویژگی مهم جاهلیت، صفت بندگی بشر برای بشر است؛ جاهلیت امروز، حاکمیت را به بشر واگذار نموده و عده‌ای از انسان‌ها را معبود عده‌ای دیگر کرده است، آن‌هم نه به شکل ابتدایی و جاهلیت ساده زمان پیامبر، بلکه به شکل ادعای حق وضع کردن بینش‌ها و قوانین و نظام‌ها و با به‌کار بردن برنامه‌ای مقرر برای زندگی که هرگز خداوند آن را تجویز نفرموده است. بنابراین معیار جاهلیت نزد سلفیه جهادی به اصل حاکمیت بازمی‌گردد که باعث انحراف انسان از خط سیر جهان هستی می‌شود. از این‌رو مهم‌ترین اسباب کفر نزد سلفیان جهادی بر دو محور حاکمیت انسان بر انسان و اطاعت انسان از طاغوت استوار می‌باشد که مستلزم جاهلیت آنهاست (فاطمی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۳۵).

در مقاله حاضر کاربرد اصطلاح سلفیه به معنای اول و سوم آن نزدیک می‌شود. تأکید تحقیق حاضر در مسئله جریان تکفیری به نوعی جریان تشکیل‌یافته و تلفیقی از دو گروه پیش‌گفته است. به عبارت دقیق‌تر، انحراف در اندیشه سلفی‌گری جهادی هنگامی آغاز شد که سلفیان وهابی - تکفیری کوشیدند جریان سلفی‌گری جهادی را به نفع خود مصادره کنند؛ درحالی‌که در دیدگاه سید قطب و عبدالسلام فرج از بزرگترین اندیشمندان سلفی جهادی در جامعه مصر است، جنگ‌ها و اختلاف‌های فرقه‌ای وجود نداشت و عامه مردم و علما به علت اختلاف عقاید مورد کشتار قرار نمی‌گرفتند. سازمان‌هایی مانند «القاعده» و «حزب التحریر» رفته‌رفته بر جنبه‌های فرقه‌گرایی خود افزودند و به ابزاری در دست متعصبان و گروه‌های تکفیری سلفی تبدیل شدند. گروه‌های وهابی و تروویستی در کشورهای اسلامی که بسیاری از آنها ریشه در القاعده دارند، درحالی‌که به شدت تکفیری‌اند، می‌کوشند خود را به‌عنوان چهره‌های جهادی معرفی کنند. فجیع‌ترین جنایات به‌دست گروه‌های وابسته به این جریان در کشورهای اسلامی انجام می‌شود. گروه‌هایی مانند «الجماعه المسلحه»، «الجماعه السلفیه الدعوه و القتال» در الجزایر، «جماعه شباب المجاهدین» در سومالی، «جماعه جند انصارالله» در رفح و «داعش» در عراق و سوریه، نمونه‌هایی از سلفی‌گری تکفیری هستند که از مفهوم مقدس جهاد سوءاستفاده می‌کنند. گروه‌های تندرو تکفیری مذکور امروزه برای رسیدن به اهدافشان، خود را سلفیه جهادی می‌دانند؛ درحالی‌که آنها پیروان محمد بن عبدالوهاب هستند که در قالب سلفیان جهادی - وهابی شکل یافته‌اند و بدون هیچ ضابطه‌ای به تکفیر معین مسلمانان حکم می‌کنند. علمای وهابی برای تبرئه کردن خود از جنایات این گروه‌های افراطی از یک سو و بهره بردن از اندیشه‌های قطبی از سوی دیگر، سعی کرده‌اند با تبلیغات گسترده و متحمل شدن هزینه‌های هنگفت، تفکرات سید قطب را به چالش بکشند، به طوری که فقط افکار او را سرمشق سلفیان جهادی تکفیری جلوه می‌دهند؛ درحالی‌که این گروه‌های تندرو تکفیری، دارای افراطی‌ترین معیارها و ملاک‌های کفر هستند و هر نوع درخواست و توسلی را چه از اموات و چه از حاکمان، کفر می‌دانند و تکفیر مطلق را در عرصه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی به تکفیر معین سرایت می‌دهند و تمام مخالفانشان را تکفیر می‌کنند.^۱

۱. علمای اهل سنت تکفیر را به مطلق و معین تقسیم کرده‌اند. تکفیر مطلق اختصاص به فرد معینی ندارد و تفسیر کفر بر وصف عام تلقی می‌شود؛ مانند اینکه حکم شود اگر کسی چنین بگوید یا چنین فعلی انجام دهد یا چنین

بنابراین جریان تکفیری موردنظر این مقاله، شکل منحرف‌شده اندیشه‌های سلفی‌گری جهادی سید قطب توسط سلفی‌گری تکفیری وهابی محسوب می‌شود که با گذشته‌گرایی، ارتجاع و مبارزه با عقلانیت، از گذشتگان برای خود بتی ساخته و با جهت دادن لبه تیغ تکفیر بر پیکره جهان اسلام، به‌جای مبارزه با کافران و دشمنان واقعی اسلام، وارد مبارزه‌های عقیدتی درون‌دینی و فرقه‌گرایی شدید و افراطی شده‌اند.

بر این اساس، برخی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جریان تکفیری به شرح ذیل است:

۱. تکفیر: آنها به خود اجازه می‌دهند که علیه مسلمانان دیگر نیز در صورتی که اعمال آنها مورد قبول‌شان نباشد، به‌عنوان کافر مرتد اعلام جنگ دهند. آنها غیر مسلمانان را نیز به‌عنوان کفار فقط شایسته مرگ می‌دانند.
۲. رد اقتدار سیاسی: تکفیری‌ها هر صاحب اقتدار سیاسی را که از عقاید آنها پیروی نکند، نامشروع و قتل او را واجب می‌دانند.
۳. رد قواعد جهاد: به اعتقاد اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان، جهاد وقتی واجب می‌شود که زمین‌های اسلامی مورد تهاجم و تهدید قرار گیرد (جهاد تدافعی). جهاد همچنین دارای قواعد خاصی از جمله عدم کشتار غیر نظامیان است. اما تکفیری‌ها به هیچ‌کدام از این قواعد پایبند نیستند و کشتار مردم بی‌گناه را مجاز می‌دانند.
۴. رد حرمت خودکشی: در اسلام، مسیحیت و یهودیت، خودکشی گناه نابخشودنی محسوب می‌شود؛ درحالی‌که تکفیری‌ها، خودکشی برای کشتن دشمنان خدا را شهادت می‌دانند. از نظر آنها افرادی که به اقدامات انتحاری دست می‌زنند، شهید هستند و مستقیماً وارد بهشت می‌شوند.
۵. تروریسم: تکفیری‌ها برای کشتن دشمنان خدا ترور را مجاز می‌دانند و معتقدند استفاده از خشونت و ترور برای برکناری رهبرانی که براساس اسلام حقیقی حکومت نمی‌کنند، یک وظیفه اسلامی است (عباس‌زاده فتح‌آبادی، ۱۳۸۸: ۸۷).

اعتقادی داشته باشد، کافر است. برخلاف آن، تکفیر معین است که حکم کفر را برای شخص معینی صادر می‌کند. برای تکفیر معین می‌بایست شروط و موانع آن نظیر جهل، اکراه و تأویل بررسی شود؛ در غیر این صورت نمی‌توان به‌آسانی حکم به تکفیر داد.

در تبیینی دیگر از مؤلفه‌های جریان تکفیری که آن را در عصر حاضر از گذشته متمایز می‌کند، چهار خصوصیت مدنظر است: ۱. ابعاد جهانی آن؛ ۲. شبکه‌ای شدن تکفیری‌ها؛ ۳. اقدام به کشتارهای نامتعارف و وحشیانه؛ ۴. مشوش و مشوه نمودن چهره اسلام حقیقی در اذهان مردم دنیا. همچنین این مفهوم از دو مؤلفه اساسی جهل و عنصر روحی و روانی تشکیل می‌شود و شاخص‌هایی نظیر خشونت عریان و دائمی، آسیب زدن به افراد بی‌گناه، حرکت تصاعدی در تکفیر دیگران، کشتن اهل اسلام و فاصله گرفتن از دین را می‌توان برای معرفی جریان تکفیری در نظر گرفت (مبلغی، ۹۴/۰۵/۲۱، shahraraonline.ir).

شاخص‌های تکفیر



ب- معرفی و تبیین مسئله هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام (متغیر وابسته)

در بیان تعریف جهان اسلام می‌توان ملاک‌ها و معیارهای متفاوتی را در نظر گرفت. از آنجاکه مردم مسلمان در قاره‌های مختلف جهان به سر می‌برند، ارائه یک معیار و شاخص فراگیر برای تعریف جهان اسلام، با محدودیت‌ها و تنگناهایی همراه است. در عین حال به نظر می‌رسد معیار جمعیت بومی مسلمان در یک سرزمین یا یک کشور می‌تواند تا حد بسیاری مشخص‌کننده محدوده جهان اسلام باشد (ستوده، ۱۳۹۲: ۶۸-۶۹). بر این اساس، جهان اسلام به کلیه سرزمین‌هایی گفته می‌شود که تعداد قابل توجهی از مسلمانان به صورت بومی در آنجا زندگی می‌کنند. در این پیوند، ایده هم‌گرایی در جهان اسلام ناظر به هم‌بستگی‌ها و هم‌سویی‌ها و هم‌سنخی‌های وسیع میان کشورهای اسلامی، نخبگان و ملت‌های مسلمان است.

ایده وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام بیش از یک قرن سابقه دارد و دیدگاه‌های وحدت‌گرا در دنیای اسلام از دیرباز مطرح بوده‌اند، اما دستاورد آنها بسیار اندک بوده است. این ناکامی به‌طور عمده ریشه در وضعیت جهان اسلام و نگاه‌های وحدت‌گرای غالب در دنیای اسلام داشته است. برخی از طرح‌های وحدت و هم‌گرایی در جهان اسلام، طرح‌هایی ایدئالیستی و بیشتر ذهنی بوده که بدون توجه به مؤلفه‌های عینی عرضه شدند. برخی دیگر از طرح‌ها نیز به‌طور کلی الزامات اولیه هم‌گرایی، ائتلاف و وحدت را نادیده گرفته و بدون توجه به مقدمات لازم، همواره به دنبال حداکثرها بوده‌اند. در یک جمع‌بندی کلی از دلایل ناکامی تجارب هم‌گرایی در جهان اسلام می‌توان به موارد زیر اشاره نمود (حافظنیا و زرقاتی، ۱۳۹۱: ۱۴۳):

- گسیختگی فضایی و جغرافیایی و نبودن یکپارچگی سرزمینی کشورهای جهان اسلام؛
- تفاوت‌های مذهبی، ایدئولوژیکی و طرز تلقی‌های مختلف و گاه متضاد از دین اسلام؛
- مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای و جهانی؛
- ضعف یا فقدان مکانیسم‌های موارد پیونددهنده درون منطقه‌ای در بعد اقتصادی؛
- وابستگی‌های سیاسی - اقتصادی - نظامی جهان اسلام به قدرت‌های فرامنطقه‌ای؛
- تفاوت‌های قومی و تأکید بر تعصبات قومی - قبیله‌ای؛
- تفاوت در اندیشه، ایدئولوژی سیاسی و وجود نظام‌های سیاسی متفاوت؛
- تعارض‌های مرزی و سرزمینی؛

- رقابت داخلی قدرت‌های برتر جهان اسلام؛

- تفاوت در سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای جهان اسلام.

مطالعه مناطق مختلف جهان اسلام و کشورهای اسلامی موجود در آن نشان می‌دهد که علاوه بر چالش‌های پیش‌گفته، فرصت‌ها و ظرفیت‌های مهم و گسترده‌ای نیز جهت هم‌گرایی در ابعاد گوناگون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و دفاعی میان آنها وجود دارد؛ اما از آنجاکه مقاله حاضر در بحث هم‌گرایی و واگرایی تأکید خود را در سطح باورها و افکار قرار داده است، مناسب است ایده هم‌گرایی در جهان اسلام از این منظر مورد توجه قرار گیرد. بر این اساس دین اسلام و ارزش‌های نشئت‌گرفته از آن، مهم‌ترین عامل هم‌گرایی در جهان اسلام می‌باشد. مشترکات دینی و میراث غنی فرهنگ اسلامی که ملت‌های مسلمان را به یکدیگر پیوند می‌دهد، می‌تواند زمینه‌های ارزشمندی را برای بسط سایر مناسبات در بین جوامع اسلامی فراهم نماید. (امام جمعه‌زاده و فیروزی، ۱۳۸۶: ۱۱).

بر اساس تعالیم اسلام، همه مسلمانان به‌عنوان امتی واحد شناخته می‌شوند. این امر بستر مناسبی را از لحاظ فکری جهت هم‌بستگی و هم‌گرایی میان مسلمانان فراهم می‌آورد. هرچند برداشت‌ها و تفاسیر گوناگون از اسلام ممکن است به‌عنوان یک عامل واگرا عمل کند، اما آموزه‌های بنیادین اسلام که همه مسلمانان جهان به آن اعتقاد راسخ دارند، تأکید ویژه‌ای بر وحدت مسلمانان می‌نماید. در حقیقت اسلام به‌عنوان یک دین جهان‌شمول، سعی در ایجاد هم‌گرایی و هم‌بستگی میان همه نژادها و اقوام دارد تا تمامی مسلمانان را بدون توجه به نژاد یا زبان به صورت ملت واحد درآورد (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ۶). بسیاری از تکالیف اسلامی نظیر مراسم حج نیز نقش وحدت‌بخش اسلام را مورد تأکید قرار می‌دهند و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های گسترده‌ای برای هم‌گرا شدن مسلمانان فراهم می‌کنند. افزون بر آن، ارزش‌های مشترک، تمدن گذشته و تجارب تاریخی، سرنوشت کمابیش مشترک مسلمانان و مواردی از این دست می‌تواند فراتر از تفاوت‌های نژادی، قبیله‌ای و ... از جمله ظرفیت‌ها و فرصت‌های ایجاد وحدت و هم‌بستگی در جهان اسلام محسوب شود. آگاهی مسلمانان از توان و ظرفیت‌های بالقوه فرهنگی و اعتقادی در ابعاد مختلف و بهره‌گیری از توانمندی‌های ملل مسلمان در تربیت و ارتقای هم‌گرایی بین آنها حائز اهمیت فراوان است (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۸۰-۲۶۰).

با وجود ظرفیت‌ها و فرصت‌های مناسب هم‌گرایی که به برخی از مهم‌ترین آنها در بعد اعتقادی و فکری اشاره شد، می‌توان گفت مسئله هم‌گرایی در جهان اسلام با موانع و چالش‌های جدی نیز مواجه است. جهان اسلام شامل پهنه وسیعی از ملت‌ها و فرهنگ‌هاست که از تجربه‌های تاریخی متفاوتی برخوردار هستند. اختلافات اساسی در طرز فکر بین گروه‌های بزرگ قومی مانند عرب، ترک یا فارس می‌تواند به سوءظن یا حتی اصطکاک منجر گردد (حافظنیا و زرقانی، ۱۳۹۱: ۱۴۶). ناسیونالیسم یا ملی‌گرایی در اصل نوعی برداشت فکری در یک جامعه سیاسی است که بر پایه مشترکاتی چون فرهنگ، زبان، آداب و سنن و تعلقات خونی، نژادی و قبیله‌ای به وجود می‌آید. پس از جنگ جهانی دوم، درحالی که تمایلات فراملی‌گرایی در میان کشورهای اروپایی رو به افزایش نهاده بود، کشورهای اسلامی برای مقابله با استعمار، در پی تقویت ملی‌گرایی و بسیج نیروهای ملی بودند که در نتیجه آن روند استعمارزدایی در کشورهای آسیایی و آفریقایی شکل گرفت. برخلاف گرایش نوع اول که به دنبال وحدت و تقویت هم‌گرایی بود، گرایش دوم به دلیل افراط در ملی‌گرایی، جدایی‌طلبانه و استقلال‌خواهانه بود و در نتیجه تضعیف روند هم‌گرایی را به دنبال داشت (ولایتی و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۷۰-۱۷۱). نفوذ اندیشه‌های ناسیونالیستی در جهان اسلام که مرکب از قومیت‌ها و ملت‌های متعدد بود، با ایجاد انواع ناسیونالیسم عربی، ترکی، ایرانی و ... سبب تمایل به ایجاد دولت‌های ملی مبتنی بر این اندیشه‌ها شد (حسینی مقدم و صنیع اجلال، ۱۳۹۱: ۱۰). افزون بر این، اختلافات مذهبی، تعدد مذاهب و عصبیت‌های مذهبی می‌تواند مانع مهمی در مسیر هم‌گرایی در جهان اسلام تلقی گردد. شایان ذکر است که مباحث فقهی و کلامی اگر صرفاً متکی به دلیل و برهان و استدلال و اجتهاد باشد، نه تنها عامل تفرقه و منافای وحدت نیست، بلکه نوعی تعاون و تعاضد فکری در رسیدن به حقایق تفصیلی مندرج در اصول کلی و قطعی اسلام می‌باشد. اما اگر اختلافات مذهبی به عامل سیاست تبدیل گردد، از عوامل تفرقه در جهان اسلام خواهد بود؛ چنان‌که در اعصار مختلف تاریخ اسلام در مواردی که عصبیت‌های مذهبی فرقه‌ها و گروه‌های مختلف نسبت به یکدیگر رنگ سیاسی پیدا کرد، منجر به جنگ و خون‌ریزی شد. همچنین مطالبات جدایی‌خواهانه تحت تأثیر فرقه‌های مذهبی نه تنها بر وحدت کلی جهان اسلام، بلکه حتی

بر وحدت ملی و سرزمینی کشورهای اسلامی تأثیر سوء گذاشته و احتمال بروز جنگ‌های داخلی، پاک‌سازی قومی و نسل‌کشی را در میان کشورهای اسلامی افزایش داده و به یکی از عوامل مهم واگرایی در جهان اسلام تبدیل شده است (صفوی، ۱۳۸۷: ۴۲ و ۲۰۲).

از دیگر موانع مهم فکری فراروی هم‌گرایی در جهان اسلام اینکه، متأسفانه در بسیاری از مناطق جهان اسلام هنوز خردگرایی اولیه شکل نگرفته است تا پیش‌زمینه‌های هم‌گرایی مهیا گردد. این خردگرایی چه در سطح جامعه و چه در سطح دولت مشاهده نمی‌شود، هرچند این مسئله در سطح دولت از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است (رنجبر، ۱۳۹۲: ۱۶۸). روی‌گردانی از ارتباط منطقی با بازیگران هم‌جوار و تداوم اختلافات، زمینه‌ساز اتخاذ برخی رفتارهای تنگ‌نظرانه می‌شود. در چنین فضایی معمولاً شکست یک بازیگر به پیروزی بازیگر دیگر تعبیر می‌شود (قربانی، ۱۳۹۰: ۲۳۹).

در مجموع، در تحلیل ظرفیت‌ها و فرصت‌های هم‌گرایی و موانع و چالش‌های آن در دنیای اسلام به‌نظر می‌رسد عوامل واگرا، هم‌به‌لحاظ قدرت و هم‌به‌لحاظ کثرت از نیروهای هم‌گرا کارآمدتر عمل می‌کنند؛ به‌گونه‌ای که با وجود مشاهده زمینه‌های مناسب در جهت هم‌گرایی در جهان اسلام، این ایده تاکنون در عمل محقق نشده است.

ج- تجزیه و تحلیل نقش جریان تکفیری در ایجاد واگرایی اعتقادی و اندیشه‌ای در جهان اسلام
به‌منظور تبیین نقش جریان تکفیری در ایجاد واگرایی اعتقادی و فکری در جهان اسلام، لازم است نخست مؤلفه‌های متغیر مستقل و وابسته تحقیق را مبتنی بر مباحثی که در بخش‌های گذشته مطرح شده است، استخراج نماییم و سپس به تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی مؤلفه‌ها و شاخص‌های متغیر مستقل تحقیق بر مؤلفه‌ها و شاخص‌های متغیر وابسته بپردازیم.

۱- مؤلفه‌های اعتقادی و فکری جریان تکفیری

۱-۱- اجتهاد بی‌ضابطه (در فقه)؛

۲-۱- دوری از اندیشه‌ورزی نوآورانه و پویا؛

۳-۱- تکفیر مذاهب و دگراندیشان مذهبی؛

۴-۱- سطحی‌اندیشی و اصالت‌ظواهر؛

۵-۱- تعصبات کور و دگماتیسم؛

۱-۶- پیروی محض از گذشتگان (در اعتقاد)؛

۱-۷- برداشت و تلقی افتراق‌انگیز از مفاهیم و اعتقادات دینی.

۲- مؤلفه‌های اعتقادی و فکری هم‌گرایی در جهان اسلام

۲-۱- اجتهاد ضابطه‌مند؛

۲-۲- خردگرایی؛

۲-۳- باور به تقریب مذاهب و تشکیل امت اسلامی؛

۲-۴- عمیق‌اندیشی و نگاه جامع به دین؛

۲-۵- انعطاف‌پذیری و مدارا؛

۲-۶- آینده‌نگری؛

۲-۷- تأکید بر اشتراکات اعتقادی و مذهبی.

۳- تجزیه و تحلیل

از نخستین مؤلفه‌های بارز اندیشه سلفی‌گری تکفیری که به‌طور مشخص انسجام اعتقادی و فکری مسلمانان و نقش‌آفرینی علمای دینی را در راستای تحقق وحدت اسلامی مورد خدشه قرار می‌دهد و موجب تشتت، انحراف و برداشت‌های مختلف از اسلام می‌گردد، فرافقه‌ی بودن و اجتهاد بی‌ضابطه توسط این جریان است. اهل سنت رهبران مذاهب چهارگانه شافعی، مالکی، حنبلی و حنفی را مرجع افتا و تصمیم‌تلقی می‌کنند، اما براساس مبانی فکری و اعتقادی سلفی‌گری تکفیری، افراد می‌توانند مستقیم به نص^۱ مراجعه کنند. بنابر این اصل، آنها سخن از مراجعه مستقیم به نص و پیروی از آن را مطرح می‌کنند. با این وصف، تناسباتی که براساس اجتهاد و مراجعه به متخصصین شکل می‌گیرد، نادیده‌انگاشته و زمینه‌های تصدیق هرگونه فهم کارشناسی نشده‌ای از متون فراهم می‌شود. این مسئله موجب می‌شود شخص تکفیری خود را برای فهم قرآن و سنت توانمند، و فهم خود را درست بپندارد و برای عملی نمودن آن دست به اقدام بزند. این امر منجر به شکل‌گیری فرایند خطرناک هرج و مرج در فهم متن، خوداجتهادی، وظیفه-پنداری و عمل‌گرایی احساسی و بروز رفتار نابخردانه خواهد شد. (سیدباقری و دیگران، ۱۳۹۳، ج ۶:

۱. ظاهر کتاب و سنت.

۳۴۳) براساس این نوع نگاه، هیچ مصلحت و قصدی فراتر از معنای ظاهری نصوص دینی وجود ندارد؛ در نتیجه نیازی به هم‌سنجی ادله شرعی و اجتهاد در نصوص نیست. تنها چیزی که اهمیت دارد، اجرای این نصوص به هر ترتیب ممکن است. مشخص است که این دیدگاه با توجه به ضرورت بازگشت بی‌واسطه به قرآن، در ذات خود مولد تشمت و رادیکالیسم در درون و بیرون جهان اسلام خواهد بود (غفاری، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۳۳). سلفی‌های تکفیری معتقدند که از نص باید تبعیت کرد و این موضوع احتیاج به توضیح و تفسیر ندارد. مشکل مسلمانان در عصر کنونی عمل است و به جای اینکه عمل کنند، وقتشان را صرف تفسیر نص و توجیه می‌کنند. نتیجه عملی این اعتقاد آن است که در دوره کنونی نیازی به رهبران دینی و تقلید از آنها نیست و در ساحت عمل سیاسی، تقلید و اجازه جهاد معنا ندارد. این مسئله به معنای عدم توانایی کنترل جریان‌های سلفی تکفیری از سوی رهبران مذهبی خواهد بود (خراسانی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۳۲۸). بر این اساس هرکس به تنهایی حکم شرعی خود را استنباط می‌کند. بدین ترتیب زمینه برای افراط‌گری و سیاست خشونت فراهم می‌شود (میراحمدی و ولدبیگی، ۱۳۹۳، ج ۲: ۳۷۵).

علاوه بر شیعه، این تفکر دقیقاً در مقابل تفکر سنتی اهل سنت نیز قرار دارد، که در آن هر عملی نیاز به اجازه علمای سنی داشت و این اجازه می‌توانست از رادیکال شدن افراد معمولی جلوگیری کند؛ درحالی‌که در شرایط کنونی و از منظر برخی جریان‌های سلفی جدید، اذن معنا ندارد و افراد خود به همان ظاهر نص و فهم‌شان از آن عمل می‌کنند. نمود بارز این موضوع در مسائل جهاد و جهادگرایی است که تفکر سنتی اهل سنت معتقد بود جهاد نیاز به دستور حاکم دارد، درحالی‌که سلفی‌های جدید تکفیری معتقدند فرد مسلمان مستقیماً باید به جهاد بپردازد و نباید احکام شریعت تابع مصلحت‌سنجی‌های حاکمان و مفتی‌ها قرار گیرد (خراسانی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۳۲۹).

از دیگر مؤلفه‌های بارز اندیشه سلفی‌گری تکفیری که وحدت جهان اسلام را مورد خدشه قرار می‌دهد، بی‌توجهی به عقل و رد هرگونه معرفت عقلی نوآورانه و پویاست. این موضوع خود یکی از دلایل اصلی تکفیر مسلمانان محسوب می‌شود. جریان تکفیری با یقینیات عقل مخالفت می‌کند و هرکس را که با عقایدشان همراه نباشد، کافر و فاسق می‌انگارد. سلفی‌های تکفیری در فهم قرآن کریم فقط به ظاهر آن، یعنی ظواهر الفاظ و لغات توجه می‌کنند، هرچند مستلزم معنای خلاف عقل باشد. این روش نتیجه جمود فکری و برداشت‌های سطحی از آیات و معارف

قرآن است. محدود کردن فهم قرآن به کشف معنای لغات در حقیقت بستن راه عقل و فهم آن است؛ زیرا چنین فهمی قرآن را از لحاظ زمانی و مکانی محدود می‌کند و نتیجه چنین روشی، بی‌توجهی به مصالح جوامع اسلامی و مسائل نوپیدا و احکام جدید خواهد بود (غفاری، ۱۳۹۳، ج ۲: ۲۲۶). این روش در مقابل روشی است که به‌منظور وحدت و هم‌گرایی مسلمانان، زبان قرآن را الفاظ نمی‌داند و برای فهم و خرد و اندیشه‌ورزی پویا و نوآورانه، جایگاه ویژه‌ای قائل است و فرهنگ قرآن را پیام‌آور می‌داند. این پیام به زبان فطرت بشر تعلق دارد که علاوه بر مسلمانان، مربوط به همه فرهنگ‌هاست.

یکی دیگر از باورهایی که اثری مستقیم و منفی بر مسئله هم‌گرایی در جهان اسلام از بعد اعتقادی و فکری خواهد داشت، واپس‌گرایی و تعصبات شدید و کور مذهبی است که جریان تکفیری به آن مبتلا می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که به‌سادگی به خود حق می‌دهند تا دیگران را به کفر و شرک متهم سازند. در اثر همین تعصبات و باورهای ناشایست بود که محمد بن عبدالوهاب موجی از تندروی و سخت‌گیری به‌راه انداخت و به‌تدریج همه مسلمانان را تکفیر نمود و مذاهب دیگر را اهل بدعت خواند و مدعی شد که اسلام ناب در اختیار سلف است و فهم آنان از کتاب و سنت برای همگان حجت است و هرکس از این راه عدول کند، بدعت‌گذار و خارج از اسلام است (همان: ۲۲۵). از دیدگاه سلفیان تکفیری، هر نگاهی که با عقاید ایشان سازگار نباشد، محکوم به کفر و ارتداد است و حتی بنابه نظر ابن‌تیمیه، کفرشان بیشتر از کفر یهود و نصراست (ابن‌تیمیه، ۱۴۲۶، ج ۴: ۱۷۴). مقصود از تکفیر اهل قبله در اندیشه تکفیری‌ها، کافر خواندن و نسبت دادن کفر به کسی است که اظهار اسلام نموده و به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبر اقرار کرده است. چنین دیدگاهی موجب شده که تکفیری‌ها مسلمانان را به‌علت انجام امور مذهبی خود، در ردیف مشرکان قرار دهند و در نتیجه آنها را مهدورالدم شمارند. بدیهی است که این نوع تفکر از موانع مهم وحدت اسلامی است. این برداشت زمانی بسیار خطرناک می‌شود که معتقدین دیگر مذاهب اسلامی بدتر از کفار و در ردیف دشمنان اسلام و هم‌دست دشمنان خارجی به‌شمار آیند و اولویت جهاد به مذاهب اسلامی به اصطلاح شرک‌آلود نسبت داده شود (جهانی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۴۴۹).

تکفیری‌ها در تلقی درست از مفهوم «توحید» دچار خطا شده‌اند و تفسیر نادرستی از توحید ارائه می‌دهند. محمد بن عبدالوهاب در کتاب *کشف‌الشبهات* معتقد است مشرکان زمان پیامبر

قائل به توحید ربوبی بودند، ولی چون در توحید عبادی منحرف شدند و از بت‌ها استمداد می‌جستند، پیامبر مبعوث شد تا آنها را از شرک عبادی نجات دهد. بنابراین اگر کسی در این زمان نیز قائل به توحید ربوبی باشد، ولی در توحید عبادی دچار شرک شود، کافر است. از این‌رو کسانی که از قبور و اموات، تبرک، شفاعت و توسل می‌جویند، مشرک و کافرند؛ زیرا در توحید عبادی دچار شرک شده‌اند (محمد بن عبدالوهاب، بی‌تا: ۳۱-۳۳). اما به گفته بسیاری از علمای اهل سنت، آنها تفسیر نابه‌جا و غیر واقعی از آیات دارند و برخی احکامی را که در خصوص بت‌ها و کافران آمده است، به موارد دیگر تعمیم داده‌اند.^۱ از سوی دیگر جریان تکفیری با تعمیم نابه‌جا و مصادیق خارج از عقل و شرع، بسیاری از عقاید یا اعمال دیگر مسلمانان را بدعت^۲ می‌داند و آنها را گمراه می‌خواند. از همان آغاز ظهور وهابیت، وهابیون به بهانه مبارزه با بدعت، خون و مال مسلمانان را پایمال کردند و اعمالی را که مورد قبول تمامی مسلمانان است، تحریم نمودند. وهابیون اموری همچون مولدالنبی، صلوات پس از شنیدن نام پیامبر گرامی اسلام، دعا بعد از اذان، ساخت بنا روی قبور و خواندن قرآن در مراسم سوگواری را بدعت برشمرده‌اند. دیدگاه وهابیت پیرامون بدعت، برآیندی از مبانی روش‌شناختی و معناشناسی آنهاست. در واقع نگاه نقل‌گرایانه و ظاهرگرایانه‌ای که حدیث‌گرایی افراطی را به دنبال دارد، شرایط را برای تولد بدعت وهابی‌ها فراهم کرده است. وهابیون بدون توجه به ویژگی‌های بدعت، هر امری را که به‌ظاهر جدید است، بدعت معرفی می‌کنند؛ در حالی که زندگی در چنین شرایطی امکان‌پذیر نیست. از سوی دیگر، در حالی که وهابیون چنین دیدگاه بسته‌ای را درباره بدعت ارائه می‌کنند، خود گرفتار بزرگ‌ترین بدعت شده‌اند که آن،

۱. این قیاس‌ها به چند دلیل باطل است: نخست آنکه در این قیاس‌ها، پیامبر یا اولیای خدا به جای بت‌ها گذاشته شده‌اند. دوم آنکه مؤمنان و متوسلان به نبی مکرم اسلام (ص) همانند بت‌پرستان و بی‌اعتقادان به خدا فرض شده‌اند. به‌علاوه، توسل، استغاثه و شفاعت، با واژه «عبادت» به یک معنا گرفته شده‌اند، در حالی که هر یک معنای خاص خود را دارند.

۲. بدعت در لغت به معنای کار نو، بی‌سابقه و نوظهور و در اصطلاح شرعی به معنای نسبت دادن چیزی به دین است، در حالی که در واقع مطابق با هیچ‌یک از دستورات کلی دین و شریعت نباشد. مطابق این معنا بسیاری از اعمال مسلمانان در صورتی که آن را به دین نسبت ندهند یا به اعتباری زیرمجموعه یکی از برنامه‌های کلی اسلام باشد، از دایره بدعت خارج است و حرمتی ندارد. بدعت دو رکن اساسی دارد: اول آنکه حکمی به شرع نسبت داده شود یا تصرفی در شریعت صورت گیرد که در آن نیت یا دلیلی برای مشروعیت عمل انجام‌شده وجود نداشته باشد ... دوم تصرفی در شریعت صورت پذیرد (اصغری، ۱۳۹۳: ۲۹).

تسری منابع تشریح به عملکرد شخصیت‌های اسلامی سه قرن نخستین اسلام است. این دیدگاه سبب شده فتاوی مضحکی از سوی وهابیان نظیر حرمت نوشیدن آب یخ، خوردن بستنی و بردن گل برای عیادت بیمار صادر شود (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۴۱۱). جریان‌های تکفیری علاوه بر آنکه از طریق برداشت و تلقی نادرست از مبانی اعتقادی اسلام نظیر توحید و مخالفت با هرگونه نوآوری، دایره جذب و وحدت اسلامی را محدود می‌کنند، با تبدیل دین به ابزار قدرت سیاسی به دنبال یک برنامه سیاسی با راهبردها و مقاصد خاص هستند. سلفی‌های تکفیری در عین ابتدا بر پایه‌های عقیدتی، مناسبات خاصی از قدرت سیاسی را بازتولید می‌کنند. با این رویکرد به جای اینکه دین به سیاست جهت دهد، با سیاست تعریف می‌شود و در حقیقت رویکرد سیاسی آن، تأثیر عمیقی بر تفسیر دینی آن دارد. بدین ترتیب ورود سلفی‌گری تکفیری به عرصه‌های سیاست موجب پیدایش یک شریعت سیال و بی‌تعیین در این حوزه گردید که بیشتر تابعی از متغیر قدرت سیاسی بوده است (جهانی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۴۰۵). سلفی‌گری تکفیری جدید، اهداف و مباحث اعتقادی را از طریق دستیابی به قدرت و ورود به حوزه سیاست دنبال می‌کند، تا جایی که سیاست اولویت یافته و مباحث اعتقادی، ابزاری در خدمت سیاست تلقی می‌گردد. بدین ترتیب سلفی‌گری تکفیری جدید به شکل یک جریان گذشته‌گرای منحط فکری با ساختار سیاسی ویژه شناخته می‌شود (خراسانی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۳۲۳-۳۲۴).

از دیگر مؤلفه‌های سلفی‌گری تکفیری، ابزارگرایی ناشی از تقدم عمل بر اندیشه است. مسئله اصالت ظواهر که پیش‌تر به آن اشاره شد، در بین سلفی‌ها نوعی ابزارگرایی ناشی از تقدم عمل بر نظر را در نظام فکری این جریان بازتولید می‌نماید که با ایده‌های ماکیاولیستی هم‌خوانی دارد؛ به طوری که جریان‌های افراطی سلفی‌گری برای رسیدن به هدف، راه‌های غیرمشروع را پیشنهاد می‌کنند (جهانی، ۱۳۹۳، ج ۷: ۴۰۷).

در مجموع مؤلفه‌های اعتقادی و فکری جریان‌های تکفیری به‌گونه‌ای است که با ایفای نقش سلبی در ارتباط با مؤلفه‌های اعتقادی و اندیشه‌ای هم‌گرایی در جهان اسلام منجر به ایجاد مرزبندی‌های گوناگون میان مسلمانان گردیده و بذره‌های اختلاف را میان جوامع اسلامی پاشیده است یا به آن دامن می‌زند. جدول ذیل، مؤلفه‌های اعتقادی و فکری جریان تکفیری و هم‌گرایی در جهان اسلام و نتایج حاصل از نقش‌آفرینی سلبی جریان تکفیری بر هم‌گرایی در جهان اسلام را نشان می‌دهد.

نقش جریان تکفیری در ایجاد واگرایی در جهان اسلام
(سطح باورها و افکار)

سطح	ردیف	مؤلفه‌های اعتقادی و فکری جریان تکفیری	مؤلفه‌های اعتقادی و فکری هم‌گرایی در جهان اسلام	نتایج (واگرایی در جهان اسلام)
باورها و افکار	۱	اجتهاد بی‌ضابطه و فرافقهی بودن	اجتهاد ضابطه‌مند	گسیختگی افکار و سرپیچی از فقه اربعه
	۲	دوری از اندیشه‌ورزی نوآورانه و پویا	خردگرایی	خردگریزی
	۳	تکفیر مذاهب و دگراندیشان مذهبی	باور به تقریب مذاهب و تشکیل امت اسلامی	مسدود شدن راه‌های تقریب مسلمانان
	۴	سطحی‌اندیشی و اصالت‌ظواهر	عمیق‌اندیشی و نگاه جامع به دین	شناخت سطحی از دین
	۵	تعصب کور و دگماتیسم	انعطاف‌پذیری و مدارا	سخت‌گیری شدید در عقائد
	۶	پیروی محض از گذشتگان	آینده‌نگری	واپس‌گرایی
	۷	برداشت خاص (افتراق انگیز) از مفاهیم و اعتقادات دینی	تأکید بر اشتراکات اعتقادی و مذهبی	افتراقات عقیدتی و مذهبی

نتیجه

هم‌گرایی در جهان اسلام، همواره یکی از موضوعات مهم و مبتلابه جهان اسلام و از مسائل تأثیرگذار بر سرنوشت امت اسلامی بوده که در زمان کنونی با پیدایش و گسترش جریان تکفیری با وضعیت نامطلوبی روبه‌رو شده است. آگاهی از نقش آفرینی سلبی جریان تکفیری، امکان تبدیل

این تهدید را به فرصتی برای شکل‌دهی به هم‌گرایی در جهان اسلام فراهم می‌آورد. از آنجا که افکار و باورها نقش بسیار برجسته‌ای در هدایت‌بخشی به الگوی رفتاری و بازتنظیم منظومه کنشی - واکنشی جریان‌های تکفیری دارند، مسئله اساسی این پژوهش را واکاوی نقش جریان تکفیری در ایجاد واگرایی اعتقادی و فکری در جهان اسلام تشکیل می‌داد. فرضیه عبارت بود از اینکه جریان تکفیری به‌ویژه با نگاه منفی به مذاهب اسلامی و به‌وجود آوردن مرزبندی‌های افراطی فرقه‌ای، به ایجاد و گسترش واگرایی در سطوح فکری و اعتقادی در جهان اسلام دامن می‌زند. بدین منظور، مقاله حاضر ضمن معرفی و تبیین جریان تکفیری (متغیر مستقل) و مسئله هم‌گرایی و واگرایی در جهان اسلام (متغیر وابسته) در سطح باورها و افکار، به تعارض مؤلفه‌ها و شاخص‌های جریان تکفیری با مؤلفه‌های هم‌گرایی در جهان اسلام که منجر به تأثیرگذاری و نقش‌آفرینی این جریان در ایجاد واگرایی در جهان اسلام می‌شود، اشاره نمود. یافته‌ها نشان داد در سطح باورها و افکار، مؤلفه‌های جریان تکفیری نظیر اجتهاد بی‌ضابطه، دوری از اندیشه‌ورزی نوآورانه و پویا، تکفیر مذاهب و دگراندیشان مذهبی، سطحی‌اندیشی و اصالت‌ظواهر، تعصبات کور و دگماتیسم، پیروی محض از گذشتگان و برداشت و تلقی افتراق‌انگیز از مفاهیم و اعتقادات دینی در تعارض با مؤلفه‌های فکری و اعتقادی هم‌گرایی در جهان اسلام نظیر اجتهاد ضابطه‌مند، خردگرایی، باور به تقریب مذاهب و تشکیل امت اسلامی، عمیق‌اندیشی و نگاه جامع به دین، انعطاف‌پذیری و مدارا، آینده‌نگری و تأکید بر اشتراکات اعتقادی و مذهبی قرار گرفته و منجر به ایجاد واگرایی می‌شود. همچنین در یک استنتاج مفهومی از این مقاله می‌توان گفت جریان تکفیری، جریانی است که نه با مبانی اعتقادی شیعه سر سازش دارد و نه مبانی اعتقادی اهل سنت را برمی‌تابد. از این رو موفقیت احتمالی در ایجاد فهمی مشترک از موضوع مقابله با جریان تکفیری، به دلیل آنکه مستلزم واکاوی و بازخوانی آموزه‌ها و مبانی اعتقادی مشترک اسلامی میان شیعه و اهل سنت می‌باشد، خود می‌تواند بستر ساز شکل‌گیری هم‌گرایی در جهان اسلام گردد.

فهرست منابع

- ابن تیمیّه (۴۲۶ق)، *مجموعه الفتاوی*، تحقیق عامر الجزار و انوار الباز، بی‌جا: دارالوفاء، ج ۴.
- امام جمعه‌زاده، سید جواد و آیت فیروزی (۱۳۸۶)، «زمینه‌ها و موانع هم‌گرایی در منطقه خلیج فارس»، *مجله دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان*، سال ۱۹، شماره ۴.

- البخاری، محمد (۱۴۳۲ق)، *الصحيح الجامع*، بیروت: دار ابن کثیر.
- جهانی، محمد (۱۳۹۳)، «راهبردهای مقابله با تهدیدات نرم ناشی از فعالیت جریان‌های سلفی تکفیری در جهان اسلام»، در: *مجموعه مقالات کنگره جهانی خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام*، قم: دارالاعلام، ج ۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و سید هادی زرقانی (۱۳۹۱)، «چالش‌های ژئوپولیتیکی هم‌گرایی در جهان اسلام»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۰.
- حسینی مقدم، محمد و مریم صنیع اجلال (۱۳۹۱)، «هم‌گرایی جهان اسلام و آینده تمدن اسلامی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال اول، شماره ۳.
- حیدری، محمدشریف (۱۳۸۸)، «سلفی‌گری نوین در تقابل با راهبرد وحدت اسلامی»، *ادیان و عرفان*، ش ۲۷.
- خراسانی، رضا (۱۳۹۳)، «ماهیت و چیستی سلفی‌گری جدید و پیامدهای سیاسی آن بر جمهوری اسلامی ایران»، در: *مجموعه مقالات کنگره جهانی خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام*، قم: دارالاعلام، ج ۷.
- رنجبر، مقصود (۱۳۹۲)، «هم‌گرایی در جهان اسلام: از خیال تا واقعیت، از بیم‌ها تا امیدها»، در: *مجموعه مقالات موانع و فرصت‌های هم‌گرایی در جهان اسلام*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- ستوده، محمد (۱۳۹۲)، «ظرفیت‌های هم‌گرایی جهان اسلام»، در: *مجموعه مقالات موانع و فرصت‌های هم‌گرایی در جهان اسلام*، تهران: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- سیدباقری، سید کاظم و دیگران (۱۳۹۳)، «آثار سیاسی-اجتماعی جریان‌های تکفیری بر عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی»، در: *مجموعه مقالات کنگره جهانی خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام*، قم: دارالاعلام، ج ۶.
- سیدنژاد، سید باقر (۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر ج.ا.ا»، *مطالعات راهبردی*، ش ۴۷.
- صفوی، سید یحیی (۱۳۸۷)، *وحدت جهان اسلام: چشم‌انداز آینده*، تهران: نشر شکیب.
- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی (۱۳۸۸)، «بنیادگرایی اسلامی و خشونت (با نگاه بر القاعده)»، *سیاست*، دوره ۳۹، شماره ۴.
- علیزاده موسوی، سید مهدی (۱۳۹۳)، *تبارشناسی سلفی‌گری و وهابیت*، قم: آوای منجی، ج ۱.

- غفاری، ابوالفضل (۱۳۹۳)، «اصول روش‌شناسی سلفیه»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم: دارالاعلام، ج ۲.
- فاطمی‌نژاد، مجید (۱۳۹۳)، «نقد و بررسی تکفیر از دیدگاه سلفی وهابی- سلفی جهادی»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم: دارالاعلام، ج ۶.
- فرمانیان، مهدی (۱۳۹۳)، تاریخ تفکر سلفی‌گری تا ظهور وهابیت، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- قربانی، ارسلان و رضا سیمبر (۱۳۹۰)، ایران و هم‌گرایی در سازمان همکاری اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- مبلغی، مصطفی، تفکر امت‌برانداز تکفیر، ۹۴/۰۵/۲۱، www.shahraraonline.ir.
- محمد بن عبدالوهاب (بی‌تا)، توحید، بی‌جا: بی‌نا.
- میراحمدی، منصور و علی‌اکبر ولدبیگی (۱۳۹۳)، «جریان تکفیری و سیاست خشونت»، در: مجموعه مقالات کنگره جهانی خطر جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، قم: دارالاعلام، ج ۲.
- ولایتی، علی‌اکبر و سعید محمدی (۱۳۸۹)، «تحلیل تجارب هم‌گرایی در جهان اسلام»، دانش سیاسی، ش ۱۱.
- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی (۱۳۹۲)، چالش‌های وهابیت، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).